

اسرار تولد حضرت فاطمه زهرا (س)

در بررسی شخصیت افراد برتر، تحلیل عوامل مزبور موجب می‌گردد به جوانب درونی آنها راهی پیدا کنیم. با در نظر گرفتن این نکته، هر چه این افراد در سطح بالاتری قرار گرفته باشند...



در بررسی شخصیت افراد برتر، تحلیل عوامل مزبور موجب می‌گردد به جوانب درونی آنها راهی پیدا کنیم. با در نظر گرفتن این نکته، هر چه این افراد در سطح بالاتری قرار گرفته باشند، این عوامل، با اهمیت‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد و وقتی مسئله مربوط به «#دعائم الدین» 2 (بزرگان دین، پایه‌ها و ستون‌های اصلی اسلام) می‌رسد - که مبحث عصمت برای آنها طرح می‌شود - موضوع حساسیت فوق‌العاده‌تری می‌یابد و نیاز به سندهای محکم‌تری دارد.

در مسیر برنامه‌ریزی شده الهی برای تولد حضرت فاطمه (س)، دو بخش قابل بررسی است:

بخش اول: اسرار پیش از تولد تا زمان تولد؛

بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به هنگام تولد.

بر اساس حکمت الهی، تولد دختری که تکمیل‌کننده موضوع نبوت و پایه‌گذار مسئله امامت است و به القاب امّ ابیها و امّومّه الائمه (همان) مزین شده، نیازمند مقدماتی است که در صورت فراهم نشدن مقدمات، کار به سرانجام نمی‌رسد و به هدف نائل نمی‌شود. اما در زمینه مقدمات تولد حضرت فاطمه (س) در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اختصاصاً مواردی وجود دارد که بسیار قابل تأمل است. حضرت فاطمه (س) از نسل فردی است که خداوند درباره او فرموده است:

«#خَلَقْتَ الْاَشْيَاءَ لَاجِلْكَ وَ خَلَقْتَكَ لَاجِلِي؛ 3

همه چیزها را برای تو و تو را برای خودم آفریدم.

در این بیان نورانی، عظمت وجودی پیامبر اکرم (ص) به تصویر کشیده شده است؛ هرچند عقول ما از درک گنه آن ناتوان و عاجز است. پیامبری که از حیث جسمی و نژادی نیز، به برترین قبیله و تیره اعراب منتسب و به نبیّ قرشی 4 معروف است، وجود نازنین حضرت فاطمه (س) را پضعه؛ (پاره گوشت خود) می‌داند. 5

1. اسرار قبل از تولد تا زمان تولد

این موضوعات و نکات، مواردی است که در احادیث بیان شده است و هدف ما در این گفتار، بحث سندی احادیث نیست؛ زیرا پرداختن به آن مجال گسترده‌تر و فرصت دیگری می‌طلبد. غالب این موارد که در احادیثی با مضامین مشترک بیان شده، مورد اعتماد و وثوق علمای شیعه قرار گرفته است. محور کار، حدیثی است که علامه مجلسی آن را با سند مُقْضَل بن عمر جعفی از قول امام صادق (ع) بیان کرده است.

1 - 1. بشارت خداوند به وجود حضرت فاطمه (س) در معراج

پیش از تولد حضرت فاطمه (س)، خداوند در معراج، بشارت تولد ایشان را به نبیّ خاتم (ص) داده و فرموده بود:

«#يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةٍ مِنْ حَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ...؛ 6

ای پیامبر! خداوند [ولادت] فاطمه را از خدیجه، دختر خویلد به تو بشارت می‌دهد.

بشارت پیامبر اکرم (ص) به وجود مقدّس حضرت فاطمه (س)، آن هم در معراج، خود به تنهایی گویای اهمیت موضوع تولد ایشان است و می‌توان به جرئت گفت که این مسئله، یکی از مسائل حیاتی دنیای اسلام و مسلمانان بوده که از طرف خداوند در آن موقعیت به پیامبر (ص) نوید داده شد. نکته دیگر در این حدیث، این است که خداوند نام مبارک فاطمه را نیز پیش از ولادت برای او تعیین کرده است. در مورد نام فاطمه وجه تسمیه‌های مختلفی بیان شده؛ از جمله رسول خدا (ص) فرمودند:

«#لَا تَهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا وَ دُرَيْثُهَا مِنَ النَّارِ؛ 7

زیرا او، شیعیان و دُرَیثه‌اش را از آتش باز داشته و برکنار شده‌اند.

2 - 1. دوری گزیدن پیامبر (ص) از خدیجه (س)

خداوند به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد که باید چهل شبانه‌روز از حضرت خدیجه(س) دوری گزیند.

در بخشی از حدیث آمده است:

&171#؛التَّبِيُّ(ص) جَالِسٌ بِأَبْطَحٍ وَ مَعَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الصَّخْصَاحِ وَ أَبُو بَكْرٌ وَ عُمَرُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ فِي صُورَتِهِ الْعَظْمَى قَدْ نَشَرَ أَجْنِحَتَهُ حَتَّى أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَتَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَا مُرْكُ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنْ خَدِيجَةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛8

پیامبر(ص) در ریگزار ابطح با عمّار یاسر، منذر بن ضحاح، ابوبکر، عمر، علی ابن ابی‌طالب(ع)، عباس بن عبدالمطلب و حمزه بن عبدالمطلب نشسته بودند. ناگهان جبرئیل در صورت عظیمش بر او فرود آمد؛ بال‌هایش را از مشرق تا مغرب گسترانیده بود. پس ندا داد: &171#؛ای پیامبر بزرگوار! خداوند بر تو سلام می‌فرستد و به تو دستور می‌دهد که چهل روز از خدیجه فاصله بگیری.»

در این قسمت از حدیث، دو نکته قابل تأمل است:

اول اینکه جبرئیل(ع) با هیبت اصلی خود (با بال‌های گسترده) بر پیامبر(ص) فرود آمد. این مسئله نشان می‌دهد که حامل پیامی بسیار مهم برای پیامبر(ص) بوده است؛ همچنان که برای اعلام امر رسالت هم با هیبت کامل بر رسول‌الله(ص) ظاهر شد؛9

نکته دوم، واژه &171#؛یَا مُرْكُ؛ خداوند به تو دستور می‌دهد» است. این نکته، متضمن این معناست که دستور لازم الاجرا و دارای وجوب فوری است؛ زیرا خداوند از عشق فراوان پیامبر(ص) و حضرت خدیجه(س) به یکدیگر آگاه بود و می‌دانست چنین دستوری بر آن دو حضرت، سنگین و مشقت‌بار است. از این رو، در ادامه حدیث آمده است:

&171#؛فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ وَ كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَ بِهَا وَامِقًا؛10

پس، آن بر پیامبر(ص) سنگین و سخت آمد؛ زیرا او عاشق و دلباخته همسر وفادار خویش بود.»

ولی چون دستور، دستور الهی و لازم الاجرا بود، پیامبر(ص) بر انجام آن، لحظه‌ای درنگ نکرد و از همان لحظه، امر الهی را شروع نمود؛ بدون اینکه واقعیت امر را به حضرت خدیجه(س) اطلاع دهد. از این رو، آن حضرت در روزهای آخر دوره، عمّار یاسر را به خدمت خدیجه(س) فرستاد و به او فرمود: &171#؛به خدیجه بگو:

يَا خَدِيجَةُ لَا تَطْطِي أَنْ اِنْقِطَاعِي عَنْكَ [هَجْرَةٌ] وَ لَا قَلْبِي وَ لَكِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لِتَنْفِذِ [لِيُنْفِذَ] أَمْرُهُ فَلَا تَطْطِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا حَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَارًا؛11

گمان نکن که من از تو بریده و تو را رها کرده‌ام؛ بلکه پروردگارم برای اجرای آن به من دستور فرموده است. در آن، خیر بیاندیش. خداوند هر روز به وجود تو به بزرگان فرشته‌ها افتخار می‌کند.»

لازم به ذکر است که حضرت خدیجه(س) نیز در همین ایام به دستور پیامبر اکرم(ص) در منزل مانده بود و نمونه بارز آیه &171#؛و قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»13 در این ایام و در تمام عمر و برای دوری پیامبر(ص) در حزن و نگرانی بود.

3 - 1. روزه گرفتن، قیام و عبادت شبانه در طول مدت چهل شبانه‌روز

در بخشی از حدیث آمده است:

&171#؛فَأَقَامَ النَّبِيُّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ؛14

پیامبر در این چهل روز، روزه‌دار بود و در شب به عبادت می‌پرداخت.»

او باید چهل شبانه‌روز، یادآور اربعین میقات حضرت موسی(ع)15 با تمام مشکلات آن زمان و مسائل روزمره نوپای اسلام، در عبادت و بندگی سپری نماید.

در حدیث، بیان شده که پیامبر(ص) در پیغام خود به حضرت خدیجه(س) می‌فرماید:

&171#؛فَأَيُّ فِي مَنَزَلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ؛16

من در منزل فاطمه بنت اسد، مادر اسدالله الغالب هستم.»

4 - 1. پایان چهل روز، نزول جبرئیل و میکائیل برای تحفه الهی

پس از سپری شدن &171#؛171#؛فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ»، جبرئیل(ع)، فرود آمد و گفت:

&171#؛يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى! يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَا مُرْكُ أَنْ تَتَأَهَّبَ لِتَحِيَّتِهِ وَ تَحَقُّقِهِ. قَالَ النَّبِيُّ(ص) يَا جَبْرِئِيلُ وَ مَا تُحْفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَا تَحِيَّتُهُ قَالَ لَا عِلْمَ لِي...؛17

ای پیامبر بزرگوار! خداوند به تو درود می‌فرستد و به تو دستوری می‌دهد که برای هدیه و تحفه او آماده شوی. پیامبر(ص) به او گفت: &171#؛171#؛تحفه پروردگار چیست؟» جبرئیل گفت: &171#؛من به آن آگاهی ندارم.» در آن وقت، میکائیل فرود آمد و با او ظرفی بود که با پارچه‌ای از سندس [یا استبرق] پوشیده شده بود. آن را جلوی پیامبر(ص) گذارد.»

در قسمتی از حدیث آمده که جبرئیل(ع) در جواب سؤال پیامبر(ص) در مورد تحفه الهی، این جمله را بیان کرد: &171#؛171#؛لا عِلْمَ لِي.» این چه تحفه‌ای بود که جبرئیل(ع)، مأمور خبرهای غیبی خداوند، نسبت به ماهیت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؟ همان‌گونه که در زیارتش به آن اشاره شده است:

&171#؛فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَضْعَةُ لَحْمِهِ وَ صَمِيمُ قَلْبِهِ وَ فَلَذَةُ كَبِدِهِ وَ التَّحِيَّةُ مِنْكَ لَهُ وَ التُّحْفَةُ؛18

فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن و قوام قلب او، پاره جگرش و آنکه هدیه و تحفه پروردگار برای پیامبر(ص) بود.»

&171#؛171#؛وَلَهَا لَيْسَ نَوَالُهُ إِلَّا نَوَالُ اللَّهِ عَمَّ نَوَالُهُ؛19

برای آن حضرت (زهره(س)) عطا و بخششی است که بالاتر از آن نیست، مگر عطا و بخشش خداوندی که بخشش او همگانی است.»

نزول میکائیل(ع)، فرشته رزق و روزی، از نکات قابل تأمل در این موضوع است. فرود دو فرشته برای انجام یک امر الهی، یکی حامل پیام و یکی حامل هدیه الهی، همه عظمت یک موضوع را می‌رساند. قرار است چه اتفاقی بیافتد؟

5 - 1. افطار با غذای مخصوص دربار الهی، معجونی از بهشت

جبرئیل(ع) به پیامبر(ص) گفت:

پروردگار به تو دستور می‌دهد که از این غذا افطار کنی. «کشف الطبق فإذا عَدَّقَ مِنْ رُطْبٍ وَ عَنُقُودٍ مِنْ عَنَبٍ فَأَكَلَ التَّيِّبُ(ص) مِنْهُ شَبَعًا وَ شَرَبَ مِنَ الْمَاءِ رِيًّا وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْعَسَلِ فَأَفَاضَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِكَائِيلُ وَ تَمَنَّدَهُ إِسْرَافِيلُ ارْتَقَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ؛20

ظرف را آشکار ساخت. در آن، خوشه‌ای خرمای تازه و خوشه‌ای انگور بود. رسول خدا(ص) از آنها میل فرمودند. بعد از آن، آب نوشید تا سیراب شد. پس اراده فرمود دست‌های خود را بشوید؛ جبرئیل بر دست‌هایش آب ریخت. میکائیل آن را شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی خشک کرد. آنگاه اضافه غذا را با ظرف آن به طرف آسمان بردند.

نکته اول: یکی دیگر از فرشتگان الهی، یعنی اسرافیل(ع)، به عنوان یک خدمت‌کار در این زمان و برای این موضوع حضور یافته است. نکته دوم: در بخشی از حدیث آمده که حضرت علی(ع) می‌فرمایند:

«روش پیامبر(ص) این بود که هنگام افطار به من دستور می‌داد در را باز کنم تا اگر کسی می‌خواست غذا بخورد، وارد شود؛ ولی در آن شب به من فرمودند: «کنار در بنشین و کسی را راه نده؛ زیرا خوردن این طعام بر غیر من حرام است. >21 پس می‌توان گفت این غذا با غذاهای دنیایی بسیار فرق داشت؛ بلکه در میان مائده‌های الهی نیز غذای مخصوص دربار الهی بود. نکته سوم: در مورد نوع غذایی که باعث انعقاد نطفه وجود

حضرت زهرا(س) در جسم پیامبر(ص) گردید، چندین نظر بیان شده است:

1. خرما و انگور (همان)؛

2. سیب بهشتی از درخت طوبا؛22

3. آمیخته شدن عرق جبرئیل؛23

4. خرما به تنهایی.24

از میان موارد فوق، سیب بهشتی از بقیه اهمیت و شهرت بیشتری دارد. از همین‌روست که در زیارت‌نامه آن حضرت، ایشان را «تفاحه الفردوس و الخلد؛ سیب بهشت فردوس و خلد>25 خطاب قرار می‌دهیم.

اما می‌توان این نکته را نیز عنوان نمود که هر سه مورد، یعنی سیب، انگور و خرما از بهشت برای پیامبر(ص) آمده بود و با توجه به دو نکته، می‌توان بین هر سه میوه جمع نمود:

الف) از مهم‌ترین درختان بهشتی، درخت طوبا است. در فرمایش امام رضا(ع) خطاب به اباصلت آمده است:

«إِنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْوَاعًا ... وَ لَيْسَتْ كَشَجَرَةِ الدُّنْيَا؛26

همانا درخت بهشتی انواع میوه‌ها را دارد و مانند درخت دنیایی نیست. بنابراین درخت طوبا می‌تواند هر نوع میوه‌ای را در بر داشته باشد.

ضمن اینکه در برخی از روایات، نام اختصاصی از میوه برده نشده و فقط اشاره شده که جبرئیل(ع) از میوه‌های طوبا به پیامبر(ص) دادند؛ مانند این حدیث:

«هنگامی که عایشه به بوسیدن مکرر حضرت فاطمه(س) توسط پیامبر(ص) اعتراض کرد، رسول خدا(ص) به او فرمودند:

«يَا عَائِشَةُ! إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَذْثَانِي جِبْرِئِيلُ مِنْ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ تَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا فَأَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِقَاطِمَةَ؛27

ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم، به بهشت وارد شدم. جبرئیل مرا به نزدیک درخت طوبا برد و از میوه‌های آن به من داد. پس آن را خوردم. خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل کرد و هنگامی که به زمین فرود آمدم در اثر مواجهه با خدیجه، به فاطمه باردار گشت.

ب) خوردن این میوه‌ها در مراحل مختلف صورت گرفته است. در معراج، بحث میوه سیب و درخت طوبا برای پیامبر(ص) مطرح شده و بعد از آن، در زمین رطب و انگور و در جمع باعث ایجاد نطفه آن بانوی اسلام گردیده است و به نظر می‌آید آمیختگی عرق جبرئیل(ع) در موقع حمل آن غذا صورت گرفته باشد؛ نه به عنوان یکی از اجزای اصلی.

6 - 1. تعجیل پیامبر(ص) در مواجهه با حضرت خدیجه(س) به امر الهی

پس از آنکه پیامبر(ص) از آن غذای بهشتی و الهی خورد، برخاست تا برای نماز آماده شود. جبرئیل(ع) او را از نماز خواندن منع نمود و به او فرمود:

«الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَقْتِكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَى مَثَلِ خَدِيجَةَ فَنُؤَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً فَوَثَّبَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) إِلَى مَثَلِ خَدِيجَةَ؛28

اکنون وقت نماز نیست؛ بلکه باید به خانه خدیجه روی و با وی همبستر گردی. خداوند اراده فرمود که امشب از صلب شما فرزندی پاک بیافریند. رسول خدا(ص) به دنبال این فرمان، فوری به طرف خانه خدیجه روان گردید.

از عبارت «وَوَثَّبَ إِلَيَّ؛29 پرید، برجست. > می‌توان فهمید که اولاً امر الهی وجوب فوری داشته است و ثانیاً پیامبر اکرم(ص) به

خاطر علاقه وافر که به همسر خویش داشت، به محض رخصت الهی برای دیدار حضرت خدیجه(س)، به منزل ایشان رفت و این عشق دو طرفه بود؛ زیرا در حدیث آمده است که حضرت خدیجه(س) هنگامی که صدای پیامبر(ص) را شنید، با شادمانی و خوشحالی فراوان در را باز کرد.

&171#؛ قَالَتْ خَدِيجَةٌ فَفَقْتُ فُرْجَةَ مُسْتَبْشِرَةٍ بِالتَّبَيِّ (ص) وَ فَتَحْتُ الْبَابَ 30

پیامبر(ص) هر شب طبق عادت، در بدو ورود به خانه، وضو می‌ساخت و دو رکعت نماز مختصر می‌خواند، سپس در بستر قرار می‌گرفت؛ ولی در آن شب ظرف آبی طلب نکرد و برای نماز خواندن آماده نشد و این همان مطلب قبلی، یعنی سرعت و تعجیل در تنفیذ امر الهی را اثبات می‌کند. آری، امر الهی.

7 - 1. احساس بارداری در همان لحظات اول برای حضرت خدیجه(س)

در آن شب نورانی، نطفه حضرت فاطمه(س) به امر الهی از صلب نبوت به رحم مطهر منتقل شد و این نکته مهمی بود که در جمله حضرت خدیجه(س)، هویداست؛ اینکه برخلاف تمام انعقاد نطفه‌ها، حضرت خدیجه(س) از همان لحظه متوجه باردار شدن خود گردید.

&171#؛ قَالَتْ وَ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَ أَتْبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِّي التَّبَيُّ (ص) حَتَّى حَسِسْتُ بِثِقَلِ فَاطِمَةَ فِي بَطْنِي؛ 31

سوگند به آنکه آسمان را برافراشت و آب را از چشمه‌ها جاری ساخت، رسول خدا(ص) در آن شب از من دور نگردید، مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه(س) را در وجود خود احساس کردم.

یکی از بیشترین بحث‌هایی که در مورد حضرت فاطمه(س) مطرح شده است، تناسب ایشان با درخت طوبا است که به جرئت می‌توان گفت میوه‌های درخت طوبا، اصل و اساس وجود مقدس حضرت فاطمه(س) را تشکیل داده‌اند؛ یعنی عصاره‌ای از بهشت.

8 - 1. نقش درخت طوبا در تولد حضرت زهرا(س)

به دلیل اهمیت موضوع و نقش طوبا در تولد و ازدواج آن حضرت، به توضیح مختصری در مورد طوبا و چند نمونه از احادیث آن اشاره می‌گردد.

در زبان هندی و حبشی، طوبا یکی از نام‌های بهشت است 32 و اصل ماده آن به معنای دوری از آلودگی ظاهری و باطنی است و متضاد آن حُبْتُ می‌باشد. 33 مرحوم طبرسی در تفسیر خود، ده مورد معنی را در زیر آن می‌آورد. 34 در مجموع می‌توان گفت هر کدام از آن موارد به جنبه‌ای از آن اشاره دارد.

واژه طوبا به همراه مشتقاتش پنجاه بار در قرآن کریم به کار رفته است. خود این واژه، به طور اختصاصی در آیه 29 &171#؛ سوره رعد آمده است:

&171#؛ طوبى لهم و حَسُنَ مَا ب.

9 - 1. طوبا و حضرت فاطمه(س)

در مورد تولد حضرت فاطمه(س) و کیفیت پیش از آن و همچنین زندگی و ازدواج آن حضرت در ارتباط با شجره طوبا احادیثی آمده که به اختصار به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم تا پرده‌ای دیگر از حقیقت طوبا و نقش طوبا در تولد آن بانو، برای ما برداشته شود. پیش‌تر بیان گردید که پیامبر اکرم(ص) ماجرای ورود به بهشت و خوردن میوه درخت طوبا و تبدیل آن به نطفه صدیقه کبرا(س) را برای عایشه و (زنان دیگر خویش) بیان کرد. در آخر حدیث آمده:

&171#؛ فَكَلَّمَا إِشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلُهَا وَ مَا قَبْلُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةٍ طوبى مینها، هی حوراء انسیه؛ 35

پس هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم، او را می‌بوسم و بوی درخت طوبا را استشمام می‌کنم. او [حضرت فاطمه(س)] فرشته‌ای با ظاهر انسانی است.

این حدیث، بسیار مشهور و معروف است که بیان می‌کند حضرت فاطمه(س) چه تناسبی با درخت طوبا دارد. فاطمه زهرا(س) در حدیثی این‌گونه معرفی شده است:

&171#؛ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى، رَاحَةُ رُوحِ الْمُصْطَفَى، حَامِلَةُ الْبَلَوَى مِنْ غَيْرِ فَرْعٍ وَ لَا شَكْوَى وَ صَاحِبَةُ شَجَرَةٍ طوبى؛ 36

صدیقه کبرا، آرامش روح پیامبر(ص) و حمل‌کننده بلاها بدون گله و شکایتی و جزع و فزع و صاحب درخت طوبا است. صدیقه طاهره، حضرت فاطمه(س) در خطبه مفاخره خود با همسرش امیرالمؤمنین، علی(ع) در عباراتی خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

&171#؛ اَنَا ثَمَرَةُ فَوَادِهِ [فَوَادِ التَّبَيِّ (ص)] وَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَائِهِ وَ عُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهِ ... اَنَا ابْنَةُ سَدْرَةِ الْمُنْتَهَى ... اَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تَخْرُجُ أَكْلُهَا، أَعْنَى الْحَسَنِ (ع) وَ الْحُسَيْنِ (ع)؛ 37

من میوه قلب پیامبر(ص) و عضوی از اعضای او و شاخه‌ای از شاخه‌های آن هستم. من دختر سدره المنتهی هستم. من درختی هستم که میوه‌هایش خارج می‌گردد؛ منظورم حسن(ع) و حسین(ع) است.

در مورد ازدواج حضرت امیرالمؤمنین، علی(ع) و حضرت فاطمه(س) &171#؛ مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ 38 باید گفت که چون حضرت فاطمه زهرا(س) صاحب عصمت بود، گفوا نیز باید صاحب عصمت باشد و مرد غیر معصوم را بر زن صاحب عصمت راهی نیست. در ازدواج آنها همانند ازدواج پیامبر(ص) و

حضرت خدیجه(س) آمده که &171#؛ درخت طوبا از جانب خداوند دستور یافته که دُرهای خود را نثار بهشتیان کند. در اینجا بود که

پیک مخصوص، پیدایش حسن (ع) و حسین (ع) را در اثر این ازدواج به پیامبر گرامی (ص) نوید می‌دهد:

&171#؛ سَيُولَدُ مِنْهَا وَلَدَانِ سَيَدَا شِيَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بَهُمَا تَزَيَّنَ أَهْلُ الْجَنَّةِ؛ 39

از آن ازدواج، دو سرور جوانان اهل بهشت متولد خواهند شد که به وسیله آن دو مولود، اهل بهشت تزیین می‌شوند.

صاحب &171#؛ المناقب» در مورد درخت طوبا و ازدواج حضرت فاطمه (س) می‌آورد:

&171#؛ تَصَبَّ الْجَلِيلُ لَجَبْرِئِيلَ مَبْرَأً فِي ظِلِّ طُوبَى مِنْ مَّتُونٍ زَبْرَجْدٍ / شَهِدَ الْمَلَائِكَةُ الْكَرَامُ وَ رَجُّهُمْ وَ كَفَى بِهِمْ وَ يَرْجُّهُمْ مِنْ شَهْدٍ / وَ

تَنَاطَرَتْ طُوبَى عَلَيْهِمْ لَوْلَا وَ زَمَرْدًا مُتَتَابِعًا لَمْ يَعْقِدْ / وَ مَلَكَ فَاطِمَةُ الذِّى مَا مِثْلُهُ فِي مَتَهُمْ شَرْفٍ وَ لَا فِي مَنْجِدٍ؛ 40

در بحث ازدواج حضرت امیرالمؤمنین، علی (ع) و حضرت فاطمه (س) علاوه بر درخت طوبا، درخت سدر نیز مأمور نثار کردن درها و یاقوت‌های خود به میمنت این ازدواج شد.

عن جابر بن عبد الله، قال لما زوّج رسول الله (ص) فاطمة (س) من علی (ع) أتاه ناسٌ من قريش فقالوا إنك زوّجتَ علياً بمهر خسيس فقال ما أنا زوّجتُ علياً، و لكن الله - عزّوجلّ - زوّجه... ، أوحى الله إلى السّدر أن انثري ما عليك، و تنثرت الدّرّ و الجواهر و المّرجان...؛ 41

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است، هنگامی که پیامبر (ص) حضرت فاطمه (س) را به ازدواج امیرالمؤمنین (ع) درآورد، گروهی از قریش نزد وی آمدند و گفتند: شما او را با مهر ناچیزی به ازدواج علی (ع) درآوردید. پیامبر (ص) فرمودند: &171#؛ من او را به ازدواج علی (ع) درنیاوردم؛ بلکه خداوند آن ازدواج را منعقد کرد و ... خداوند به سدره المنتهی دستور داد تا آنچه که دارد بر فاطمه (س) نثار کند. پس آن درّ و جواهر و مرجان خود را نثار نمود.

در &171#؛ تفسیر عیاشی»، حدیثی آمده است که مقام زهرای اطهر (س) را این‌گونه بیان می‌کند:

لقد نَحَلَ اللهُ طُوبَى فِي مَهْرِ فَاطِمَةَ (س) وَ جَعَلَهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)؛ 42

خداوند درخت طوبا را در مهر حضرت فاطمه (س) به او بخشید و آن را در خانه علی (ع) قرار داد.

عبدالله شاعرانی در کتاب &171#؛ البواقیت و الجواهر» آورده است:

اگر تو بگویی اصل شجره طوبی در کدام منزل از بهشت است، جواب این است که محیی الدین در &171#؛ فتوحات» و شیخ ابن ابی منصور در رساله خود گفته‌اند: اصل شجره طوبی در منزل علی بن ابی‌طالب (ع) است، به سبب اینکه شجره طوبی حجاب مظهر نور فاطمه زهرا (س) است. پس هیچ یک از هشت در بهشت و نه خانه‌ای و نه مکانی به آن درجه نیست؛ مگر اینکه در آن شاخه‌ای از شجره طوبی است که غالب مردم نمی‌دانند اصل آن در کجاست ... و تمامیت این نعمت نیست، مگر به جهت اینکه سرّ هر نعمتی که در بهشت است و هر نصیبی که در آن به اولیا می‌رسد، متفرّع از نور فاطمه (س) است. 43

بنابراین، مرتب او را می‌بوسید و می‌فرمود:

&171#؛ فُكِّلَ مَا اسْتَقَتْ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلُهَا وَ مَا قَبْلُهَا إِلَّا وَجَدَتْ رَائِحَةَ شَجَرِ طُوبَى مِنْهَا؛ 44

هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم، او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم.

نیز جمله &171#؛ فَإِنَّا إِذَا اسْتَقَتْ إِلَى الْجَنَّةِ ادْتَبَيْتُهَا (فاطمه) فَشَمَمْتُ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ 45

پس من هنگامی که مشتاق بهشت می‌شوم، به او نزدیک می‌شوم و بوی بهشت را استشمام می‌نمایم.

حال به وجود حرف &171#؛ ط» در این واژه‌ها نگاهی بیندازیم: مصطفی، فاطمه، علی بن ابی‌طالب. ضمن اینکه در نام دیگر ائمه حرف &171#؛ ط» دیده نمی‌شود. از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل شده که وی به نقل از پدرانش فرمودند:

&171#؛ از پیامبر درباره طوبی سؤال شد. فرمود: &171#؛ درختی است که اصل آن در خانه من و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است. سپس بار دیگر از حضرتش سؤال کردند. فرمود: &171#؛ اصل آن در خانه علی است. علت را سؤال کردند. فرمود: &171#؛ خانه من و علی در بهشت، در یک مکان است. 46

طوبی به وجود هر سه گره خورده است. بار دیگر به حرف &171#؛ ط» در این آیه دقت کنیم. &171#؛ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ؛ 47 فاطمه کوثر است و نور خدا &171#؛ یَرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِفَاوَاهِهِمْ...؛ 48 راز فاطمه &171#؛ و السّرّ المستودع فیها» 49 تا ظهور ناظر طوبی، یعنی حضرت ولی عصر (عج) پا برجاست.

2. اسرار، کیفیت و نکات مربوط به ولادت

در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه (س) اندکی اختلاف وجود دارد؛ اما از نظر دوست‌داران و پیروان حقیقی آن حضرت، تمسک به نقل ائمه اطهار (ع)، صحیح‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ، پنج سال بعد از بعثت، در بیستم جمادی‌الآخر هجری قمری است. در مورد سال‌های ازدواج و شهادت ایشان، چندان مورد اختلاف وجود ندارد؛ یعنی ازدواج در سال اوّل یا دوم هجرت و شهادت در تاریخ یازدهم هجرت؛ اما در اینکه حضرت در این وقایع چه سنی داشته‌اند، مورد اختلاف است و آن به تعیین زمان ولادت ایشان بستگی دارد.

آنچه که مسلم است، ولادت آن حضرت بنا بر روایات بعد از بعثت اتفاق افتاده است:

أَنَّ فَاطِمَةَ (س) وُلِدَتْ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ بُيُوتَهُ أَبْيَها بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قَرِيشُ تُبْنِي الْبَيْتِ وَ رُويَ أَنَّهَا وُلِدَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ (ص)؛ 50

همانا فاطمه (س) بعد از اینکه خداوند نبوت پدرش را آشکار کرد، متولد شد. حضرت فاطمه (س) در سال پنجم، در حالی که قریش &171#؛ خانه کعبه» را بنا یا تعمیر می‌کرد، در روز 20 جمادی‌الآخر در سن 45 سالگی پیامبر (ص) متولد شد.

همچنین آمده است:

رُويَ أَنَّ فَاطِمَةَ (س) وُلِدَتْ بِمَكَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْأَسْرَى [الإسراء] بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ؛ 51

روایت شده که فاطمه(س) در 171#مکه، پنج سال بعد از بعثت - سه سال بعد از معراج - در روز بیستم جمادی الآخر متولد شده است.

به نظر قوی، این بازسازی کعبه برای بار دوم بوده است.

تاریخ ولادت حضرت فاطمه(س) مسئله بسیار مهمی است؛ زیرا ثبت دقیق این وقایع، مستندات تاریخی را قوی‌تر می‌کند و مسئله ازدواج و به خصوص شهادت آن حضرت را نیز دقیق‌تر و آشکارتر می‌سازد و شاید همین اختلاف در ولادت ایشان، همانند مخفی بودن قبرش از اسرار الهی باشد. البته ما در این نوشتار در پی اثبات زمان و سال تولد ایشان نمی‌باشیم. درباره حوادث، رویدادها و نکات زمان تولد ایشان می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

1 - 2. تکلم حضرت فاطمه(س) با مادر خویش در زمان بارداری

هنگامی که حضرت خدیجه(س)، با پیامبر(ص) که فردی یتیم و فقیر بود، ازدواج نمود، زنان مکه از او دوری می‌گزیدند، به او وارد نمی‌شدند و سلام نمی‌کردند. از این رو، حضرت خدیجه(س) احساس تنهایی می‌نمود.

فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ (س) صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَ تُصَوِّرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَدَخَلَ يَوْمًا وَ سَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتْ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَسِّئُ؛ 52

زمانی که به فاطمه باردار شد، حضرت فاطمه(س) در بطن حضرت خدیجه با او حرف می‌زدند و او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمودند. حضرت خدیجه حرف زدن فاطمه(س) با خود را از پیامبر(ص) مخفی می‌کرد تا اینکه روزی رسول خدا شنید که حضرت با فاطمه(س) صحبت می‌کنند. فرمودند: 171#؛ «با چه کسی سخن می‌گویی؟» عرض کرد: جنینی که در شکم من است، پیوسته با من حرف می‌زند و موجب آرامش من می‌شود.

حضرت فاطمه(س) علاوه بر لقب امّ ابیها، مادر خود را نیز در حالت جنینی، به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمود.

2 - 2. بشارت به دختر بودن جنین و ادامه نسل با برکت پیامبر(ص) توسط آن جنین

پیامبر(ص) به حضرت خدیجه(س) فرمودند:

171#؛ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا التَّسْمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خَلْقًا فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ؛ 53

جبرئیل به من خبر داد که آن جنین دختر است و نسلی پاک و مطهر دارد و خداوند متعال نسل مرا از ذریّه او قرار خواهد داد و از نسل او امامانی خواهند آمد که پس از من و بعد از اتمام وحی، خلیفه‌های الهی بر روی زمین خواهند بود.

نکته مهم این قسمت، آن است که معمولاً نسل هر فردی از طریق فرزند ذکور وی ادامه می‌یابد و اصطلاحاً به کسی که فرزند پسر ندارد، ابتر می‌گویند؛ ولی از رازهای دیگر وجود مقدس حضرت زهرا(س) این است که در آن جامعه جاهلی و دیدگاهی که نسبت به دختر داشتند، نسل برترین انسان جهان هستی از طریق او ادامه می‌یابد و خلیفه‌های الهی از دامن او رشد یافته و زمینه‌ساز سعادت انسانی می‌گردند.

3 - 2. حضور چهار زن برتر جهان هنگام تولد

هنگامی که زمان فارغ شدن و وضع حمل زنی می‌رسد، معمولاً زن‌ها برای کمک به او می‌شتابند؛ ولی هنگامی که حضرت خدیجه(س) به زنان قریش و بنی‌هاشم پیغام کمک فرستاد، آنها با کینه‌ای که از ازدواج ایشان با پیامبر(ص) به دل داشتند، از کمک به او سر باز زدند و به یاری او نیامدند. در این هنگام، خدایی که تمام مقدمات و برنامه‌ریزی خود را برای تولد این بانو، آماده و مهیا ساخته بود، رسولان خود را برای یاری فرستاد:

171#؛ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسَاءٍ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزَعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَحْوَاثُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ أَسِيَّةٌ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَفْرَاءُ [صَفْوَرَاءُ] بِنْتُ شُعَيْبٍ؛ 54

چهار زن بلند قامت و نورانی بر او وارد شدند که بیشتر، زنان بنی‌هاشم بودند. حضرت خدیجه چون آنها را دید، ترسید. یکی از آنان گفت: ای خدیجه! ناراحت مباش؛ چرا که ما را پروردگارت به سوی تو فرستاده است. ما خواهران تو هستیم؛ من ساره هستم و ایشان آسیه، دختر مزاحم، رفیق تو در بهشت، این مریم، دختر عمران و ایشان صفورا، دختر شعیب است.

چهار زن برتر جهان، همراه حضرت خدیجه(س) از برای چنین امر مهمی مأمور شده و کمر به خدمت چنین وجودی بسته بودند.

4 - 2. نورانی شدن خانه‌های مکه و سرتاسر غرب و شرق زمین

171#؛ فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا الثُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ الثُّورُ؛ 55

پس هنگامی که حضرت فاطمه(س) پا به عرصه زمین نهاد، نوری عظیم از ایشان بلند شد تا اینکه این نور به تمام خانه‌های مکه داخل شد و در شرق و غرب زمین، جایی از این نور خالی نماند. این همان 171#؛ «مثل نوره کمشکا» 56 و 171#؛ «نور الله» 57 است. شکوفه‌ها، شگفت‌زده از طراوات نوزادی شدند که عطر خدا را به همراه داشت و ستارگان، خیره در سیمای طفلی شدند که نور آفریدگار در آن باز تابیده بود و حضرت خدیجه(س) شادمان از ولادت دختری که بوی عصمت می‌داد و طعم بهشت داشت.

5 - 2. خوراندن آب کوثر به حضرت فاطمه(س)، شست و شو با آن و لباس های بهشتی پس از آنکه حضرت متولد شد، زنی که در مقابل حضرت خدیجه(س) بود، آن نوزاد را گرفت، اندکی از آب کوثر که قبلاً توسط حورالعین آماده گشته بود، به او خورانید و در آب کوثر شست و شو داد و با دو پارچه سفید رنگ که از شیر، سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر بودند، یکی را بر بدن نوزاد و دیگری را بر سر او بست. 58. این نوزاد همان کوثر، حقیقت خیر فراوان است که خداوند وعده اش را به پیامبر(ص) داده بود که: ««؛ ما به تو کوثر عطا می کنیم.»

6 - 2. شهادت بر توحید، نبوت و امامت، اولین و آخرین رسالت حضرت فاطمه(س)

نوزاد در بدو تولد خود، لب به سخن گشود:

«؛ فَنُطِقْتُ فَاطِمَةُ (س) بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنَّ وَلَدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا؛ 59. خدایی جز الله نیست. پدرم رسول خداست و سرور تمام انبیا. همسرم علی مرتضی(ع)، سرور تمام اوصیا و فرزندانم حسن و حسین: سرور تمام بنی آدم.

سپس نام تک تک فرزندان [معصومش] را برد و بر آنها سلام کرد.»

اینکه دیگران چه می اندیشیدند، مهم نیست؛ ما را همین حدیث بس است برای صراط مستقیم. آنهایی که این حدیث را باور ندارند، به سراغ آیات «؛ قرآن کریم» بروند؛ آن هنگام که حضرت مریم(س) فرزند خود را به روی دست به میان آماج تیر تهمت ها و ناسزاها آورد، حضرت عیسی(ع) لب به سخن گشود و فرمود:

«؛ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا؛ 60

من بنده خدایم. به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرار داده است.

حال چگونه این نوزاد سخن نگوید که خود، دختر اشرف انبیا و همسر و مادر یازده انسان برتر از حضرت عیسی(ع) است؟

7 - 2. بشارت اهل بهشت برای تولد حضرت فاطمه(س)

در بخشی از حدیث آمده است که حضرت فاطمه(س) به حورالعین بهشتی لبخند زد:

«؛ ضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ (س)؛ 61

حورالعین و اهل بهشت یکدیگر را برای تولد فاطمه(س) بشارت گفتند.

این چنین است که خداوند و بهشت به وجود او افتخار می کند.

وَ افْتَحَرَ جِبْرِئِيلُ بِكُونِهِ مِنْهُمْ؛ 62

جبرئیل از اینکه از آنها (خاندان پیامبر) باشد، افتخار می کند.

8 - 2. رشد معجزه سان حضرت فاطمه(س)

كَانَتْ تَنُمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ وَ فِي شَهْرٍ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ؛ 63

حضرت فاطمه(س) در هر روز به اندازه ای رشد می کردند که بچه های دیگر در ماه به آن اندازه رشد می کنند و هر ماه تا به حدی که بچه های دیگر در یک سال.

9 - 2. اذان و اقامه گفتن پیامبر(ص) در گوش حضرت فاطمه(س)

از حضرت علی(ع) روایت شده:

«؛ هنگامی که فاطمه(س) متولد شد، پیامبر(ص) وارد شد و در گوش راست حضرت فاطمه(س) اذان و در گوش چپ او اقامه

گفت و پیامبر(ص) با هر کس مانند این انجام داد، از شیطان در امان ماند. 64

و این تازه آغازی بود برای رازهای پیچیده حضرت فاطمه(س) و ما فقط می توانیم بگوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أُبْيَها وَ بَعْلَها وَ بَنِيها وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيها بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

و از او بخواهیم: «؛ يَا فَاطِمَةُ! اِشْفَعِي لَنَا فِي الْجَنَّةِ»

لا تَقْسُ فَضْلَهُمْ لِلْأَنْبِيَاءِ أَجَلَ فَإِنَّ سَلَامَتَهُمْ بَعْدَ تَصْغِيرِ سَلِيمَانَ؛ 65

فضل و برتری آنها را با انبیا قیاس نکن؛ همانا سلمان آنها را اگر (با لفظ) کوچک کنی، سلیمان می شود.